

مسجدسلیمان، نخستین نفت‌شهر خاورمیانه و تحولات جمعیتی و کالبدی - فضایی آن در گذر زمان

مسعود صفایی‌پور*

بهار حبیبیان**، معصومه نقدی‌پور بیرگانی***

چکیده

حیات، تکامل، و زوال شهرها در ادوار مختلف نتیجه تأثیر عوامل گوناگون در طول زمان است که علاوه بر تغییر در تراکم و ماهیت گروه‌های ساکن در شهر، کالبد و نوع فعالیت‌های جاری در آن را نیز متحول می‌کند. شهر مسجدسلیمان، اولین شهر نفتی خاورمیانه و نخستین شرکت‌شهر معدنی ایران، در طول حیات خود از دوران باستان تاکنون تحت تأثیر عوامل مختلف، فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته که فضای اقتصادی و اجتماعی و همچنین کالبد آن را دست‌خوش تغییرات بسیاری کرده است و امروز درگیر مشکلات پیچیده کالبدی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، و زیست‌محیطی است. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای تحلیل جغرافیای تاریخی شهر انجام شده، علاوه بر بررسی عوامل پیدایش و تغییرات شهر در دوره‌های مختلف، مسجدسلیمان در حکم سکونت‌گاهی تأثیرپذیر از عوامل برون‌زا بررسی شده است که نتایج آن نشان می‌دهد تقابل فرایندهایی نظیر انقطاع برنامه‌ریزی شهری و تکیه بر اهداف تک بعدی اقتصادی با هویت شکل‌یافته و تعلق خاطر ساکنان شهر موجب پیچیدگی و تشدید مشکلات شهری در این سکونت‌گاه شده است.

* دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز safae_p@scu.ac.ir

** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

bahar.habibian@gmail.com

*** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز m.biregani66@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۰

کلیدواژه‌ها: مسجدسلیمان، تحولات جمعیتی، تحولات کالبدی - فضایی، نفت، شرکت شهر.

۱. مقدمه

مسجدسلیمان، در حکم اولین شرکت‌شهر ساخته‌شده در ایران، راه دراز استحاله را از یک مجتمع مسکونی منزوی تا شهری با هویت و مدنیت یک شهر متعارف و سپس شهری فراموش‌شده با انبوه معضلات و ناهنجاری‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی پیموده است و اینک شهری است که با وجود به سرآمدن مایه حیاتش یا دوران بهره‌برداری از میدان نفتی آن، به حیات خود در منطقه ادامه می‌دهد؛ شهری که بخشی از ساکنان آن حتی به اجبار نیز حاضر به ترک آن نشدند.

بررسی چگونگی پیموده‌شدن این راه ممکن است برای تحول شرکت‌شهرها در ایران مفید و در عین حال هشدار و نمادی از ایران بدون نفت یا در وجهی دیگر، شهری بدون برنامه باشد.

مسجدسلیمان در واقع شهری استثنایی با بنیادی کهن است که استقرار در میان کوه‌ها، وجود چاه‌های نفت، حضور خارجی‌ها در آن، ساکنان خوگرفته با فرهنگ غربی و از دیگر سو آثار جنگ، رکود ساخت و ساز و مهاجرت‌های بی وقفه روستاییان، از این شهر سازمان‌یافته و مجهز قدیمی شهری نامنظم و بدون ساختار ساخته که به جرئت می‌توان اعلام کرد نمونه این التقاط در دنیا بی‌نظیر است (مهستی، ۱۳۸۲: ۲۵).

کشف اولین چاه نفت در شهر مسجدسلیمان و شکل‌گیری اولین شهر معدنی ایران سبب شد هویت این شهر با صنعت نفت عجین شود. این در حالی است که پس از رکود در استخراج نفت، رونق این منطقه با افت شدیدی مواجه شد و موقعیت ویژه استقرار شهر در دل کوه‌ها به همراه بافت اجتماعی موجود که بر اثر رکود اقتصادی و ساخت و سازهای غیر اصولی به وجود آمد، سیمای شهر را با ساختاری پیچیده و درهم‌تنیده مواجه ساخت. بافت شهر مسجدسلیمان به سبب واقع‌شدن بین جلگه و کوه و هم‌جواری با رشته‌کوه‌های زاگرس، تا حدی متأثر از طبیعت این منطقه است و شکل‌گیری محلات آن در دوره‌های مختلف متأثر از صنعت نفت همراه با وضعیت توپوگرافی منطقه بوده است (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۵۸).

با بررسی پیشینه و شرایط کنونی مسجدسلیمان این پرسش به ذهن می‌رسد که عوامل

مؤثر در شکل‌گیری شهر در شرایط طبیعی نامساعد، بازساخت‌های رخ داده در طول زمان، و وضعیت نابهنجار کنونی این شهر چه بوده است.

شرایط جمعیتی و کالبدی - فضایی مسجدسلیمان در بستر زمان متأثر از عوامل مختلفی بوده است و به‌نظر می‌رسد ساختارهای اقتصادی و عوامل برون‌زا در این میان شاخص‌تر بوده‌اند، از این‌رو می‌توان مسجدسلیمان را الگویی برای پرهیز از توسعه بر مبنای اهداف تک‌گانه و منابع محدود قرار داد تا از تکرار تجربه‌ای تلخ در سایر شهرهای شکل‌گرفته با شرایط مشابه و در مقیاس وسیع‌تر در الگوهای ملی پس از اتمام منابع نفتی پیش‌گیری شود.

۲. مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق

۱.۲ روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای تحلیل جغرافیای تاریخی شهر مسجدسلیمان، تحولات شهر و شهرنشینی در مسجدسلیمان را از سه وجه جمعیتی، فضایی (فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شهر)، و کالبدی و نیز کنش‌های متقابل این وجوه را در گذر زمان بررسی کرده است.

جغرافیای تاریخی علمی است که رابطه انسان با طبیعت (محیط اطراف) را در گذر زمان و گذشته بررسی می‌کند، بنابراین در این علم روابط مکانی انسان در قالب دوره‌های زمانی در گذشته مطرح می‌شود تا چگونگی مسائل جغرافیای امروز بشر بهتر درک شود. هدف اصلی در جغرافیای تاریخی شناخت شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی گذشته انسان در ارتباط با محیط جغرافیای اوست (پورااحمد، ۱۳۸۹: ۲۰۵). در تحلیل مبتنی بر جغرافیای تاریخی، دو بعد تاریخی و جغرافیایی موضوع به صورت هم‌زمان بررسی و در واقع کنش‌های جغرافیایی موضوع مورد مطالعه در بستر فراز و نشیب تاریخی آن بررسی و تحلیل می‌شود و مبنای تحلیل و پیش‌بینی آینده‌نگرانه قرار می‌گیرد.

۲.۲ تعاریف و مفاهیم

همان‌گونه که گفته شد سه وجه جمعیتی، فضایی، و کالبدی شهر مبنای اصلی تحلیل جغرافیای تاریخی در این تحقیق قرار گرفته است که مفاهیم یادشده را به اختصار بررسی می‌کنیم.

۱.۲.۲ شهر، شهرنشینی، و تحولات جمعیتی

شهر مفهومی فراتر از پدیده‌ای کالبدی (فیزیکی) که امروزه می‌شناسیم و مفهومی گسترده‌تر از جامعه سیاسی و معنوی دارد (خاتمی، ۱۳۷۶: ۴۴). شهر و شهرنشینی روند اجتماعی برجسته‌ای است که بیش‌تر موجب دگرگونی روابط متقابل انسان با محیط و با انسان‌های دیگر شده است (نظریان، ۱۳۸۵: کلیات). روند شهرنشینی را در هیچ‌جا نمی‌توان مستقل از مسائل اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بررسی کرد. به عبارت دیگر، روند شهرنشینی همواره تابع تحولاتی است که تحت تأثیر شرایط سیاسی و اقتصادی اتفاق می‌افتد. این تغییر و تحول از یک سو متأثر از عوامل و شرایط گوناگون زمانی و مکانی است و از سوی دیگر، موجب دگرگونی‌هایی در شکل و شیوه شهرنشینی و شهرسازی شده است (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۷۸).

شهر واحدی جمعیتی است و جمعیت به‌گونه‌ای که در شهر استقرار یافته است، باید مورد تشریح قرار گیرد. در برنامه‌ریزی‌های شهری، جمعیت اصلی‌ترین عامل توسعه به‌شمار می‌آید و افزایش آن نه‌تنها موجب افزایش سطح مسکونی می‌شود، بلکه نیازهای خاصی را نیز در ابعاد مختلف مطرح می‌کند (زنجانی، ۱۳۶۹: ۱۳۲). الگوی استقرار و توزیع جمعیت در شهر بیش از همه تابع عملکردهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جامعه است. این عملکردها یا همگون و هماهنگ‌اند و به رشد و توسعه متعادل کمک خواهند کرد و یا آن‌چنان متضاد و ناهمگون‌اند، که موجب ازهم‌پاشیدگی الگوی استقرار زیست و نابسامانی تولید جامعه می‌شوند. حرکات جمعیتی، که در الگوی استقرار جمعیت مؤثر است، در واقع واکنشی در برابر نبود کارکردهای متوازن و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی ناهمگون است (رضویان، ۱۳۷۴: ۸۱). بنابراین بررسی جمعیت و روند تحولات آن در یک شهر برای برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و زیست‌محیطی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۲.۲.۲ کالبد شهر و تغییرات آن

در فرهنگ عمید، واژه کالبد چنین معنا شده است: قالب، تن، و بدن (فرهنگ فارسی، ۱۳۷۱: ذیل «کالبد») که در مقابل روح و روان قرار می‌گیرد. کالبد شهر، اثر و ردپای تمایلات و فعالیت‌های انسانی است؛ بنابراین همان‌طور که فرم مصنوع (کالبد) را می‌توان مربوط به یک دوره تاریخی خاص دانست، می‌توان آن را حاصل فعالیت‌هایی نیز دانست

که در آن انجام می‌گیرد و برای جای‌دادن به آن‌ها طراحی شده است (میرمقتدایی و طالبی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۳). کالبد شهرها پیکره شکل‌یافته برابند نیروهای نظیر فرهنگ، دین، آداب و آیین‌ها، روابط اجتماعی، سیاست، و اقتصاد از یک سو و شرایط طبیعی محیط از سوی دیگر است که در رابطه‌ای چندسویه بر هم اثر می‌کنند. در گرانیگاه تأثیر این نیروها برهم، کالبدی به نام شهر در حکم یک زیستگاه انسانی عینیت می‌یابد. بر همین اساس می‌توان دریافت که شهر یک کالبد همواره در تغییر است و تغییرات آن نشان‌دهنده آن چیزی است که بر شهر گذشته است.

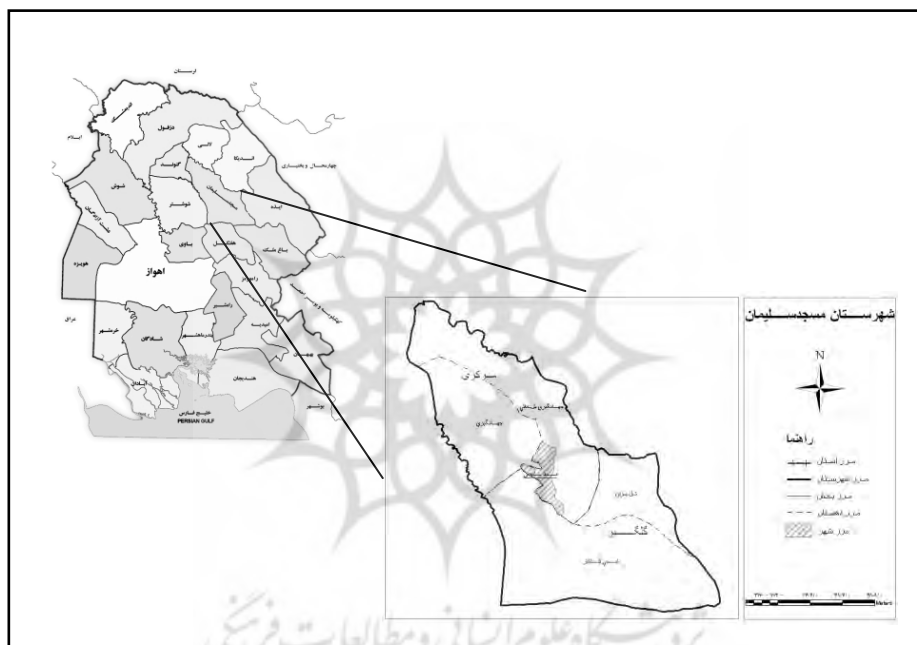
۳.۲.۲ فضای شهری و تغییرات فضایی شهر

از نظر جغرافیا، فضا جایی است که پدیده‌ها با هم کنش متقابل دارند و فعالیت‌های انسان در آن شکل می‌گیرد، در نتیجه بر حسب فعالیت‌های مختلف فضاها را مختلفی به وجود می‌آید. در واقع، فضا مجموعه‌ای از کالبد و محتواس است. هنگامی که صفتی یا پسوندی به فضا نسبت داده می‌شود، آن کالبد یا محتوا حوزه و هویت فضا را مشخص می‌کند. فضای شهری بر اساس کالبد فیزیکی شهر و حیطة شهر مفهوم می‌یابد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۳۱). هر فضای جغرافیایی (که فضای شهری نیز بخشی از آن است) فضایی در حال تغییر است؛ فضایی است که مرحله‌ای از دگرگونی را پشت سر نهاده و وجه ظاهر آن را چشم‌انداز تشکیل می‌دهد (دولفوس، ۱۳۷۴: ۹). بدین‌سان فضای جغرافیایی در بستر محیط طبیعی، در سیر زمان، در گذشته و حال و با تصمیم‌گیری انسانی عینیت می‌یابد (شکویی، ۱۳۸۶: ۳۰۱). سازمان اقتصادی در تغییرات فضایی نقشی عمده دارد. هر سازمان اقتصادی از طریق تأثیر در تغییرات جمعیتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و تکنولوژیک سبب تغییرات فضایی می‌شود؛ البته این امر به صورت تأثیرات متقابل علت و معلولی عمل می‌کند، از این‌رو سازمان اقتصادی در تغییرات فضایی بسیار توانمند است (همان: ۱۵۴-۱۵۵).

۳. معرفی شهر مسجدسلیمان

شهر مسجدسلیمان در ۱۴۹ کیلومتری شمال شرقی اهواز و در مشرق شهر شوشتر، در طول جغرافیایی ۳۹ درجه و ۱۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه و عرض ۳۱ درجه و ۵۹ دقیقه قرار گرفته است. آثار و بقایای یک پرستش‌گاه قدیمی در این شهر که مردم بومی آن را مسجدسلیمان می‌گفتند، موجب شد این شهر مسجدسلیمان نام بگیرد (زمان رشیدیان، ۱۳۶۷: ۲۴۴). شهر

مسجدسلیمان مرکز شهرستان مسجدسلیمان واقع در استان خوزستان، از شمال به شهرستان‌های لالی و گتوند، از شرق به شهرستان‌های اندیکا و ایذه، از غرب به شهرستان شوشتر، و از جنوب به شهرستان هفتگل محدود شده است (استان‌داری خوزستان، بی‌تا: ۷). بر اساس نتایج اعلام‌شده آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، جمعیت این شهر معادل ۱۰۳۵۰۴ نفر بوده است (معاونت برنامه‌ریزی استان‌داری خوزستان، ۱۳۹۱). نقشه ۱ موقعیت شهر مسجدسلیمان را در استان خوزستان نشان می‌دهد.



نقشه ۱. موقعیت شهر مسجدسلیمان در استان خوزستان بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان‌داری خوزستان، ۱۳۹۱

میانگین ارتفاع در محدوده شهرستان مسجدسلیمان ۳۶۲ متر از سطح دریاست و در بلندترین نقاط بین ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. مسجدسلیمان از لحاظ اقلیمی دارای آب و هوای نیمه‌صحرائی است. نواحی شمالی آن به دلیل واقع شدن در حاشیه سلسله‌جبال زاگرس دارای زمستان‌های سرد همراه با برف و تابستان‌های معتدل، اما نواحی جنوب آن دارای بهاری دل‌انگیز، تابستانی گرم و خشک، پاییزی مطبوع، و زمستانی معتدل است (استان‌داری خوزستان، بی‌تا: ۷-۸).

مسجدسلیمان در دوره حکومت پارس‌ها «پارسوماش» نام داشت و در قرون وسطی «تُلُغْر» و تا آغاز فعالیت‌های اکتشافی صنعت نفت «جهانگیری» نامیده می‌شد و با حفر چاه شماره یک خاورمیانه نام آن به «میدان نفتون» تغییر یافت (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۵۳). پس از بازدید رضاشاه پهلوی و کابینه وی در معیت خوانین بختیاری از شهر در سال ۱۳۰۳ ش و مشاهده قدیمی‌ترین آتشکده ایران باستان (سرمسجد) در آن، با تصویب مجلس وقت شورای ملی نام شهر از میدان نفتون به «مسجدسلیمان» تغییر یافت (همان: ۵۵؛ زارعی، ۱۳۸۸: ۹۲). انگلیسی‌ها این شهر را به اختصار MIS می‌نامیدند که آن را مخفف (mosque-I-soleyman) دانسته‌اند.

مسجدسلیمان نخستین شهر نفتی خاورمیانه در ساختار جدید خود از زمره شهرهایی است که به شکل شهر جدید شرکتی پدید آمده‌اند. صنعت نفت در حیات مجدد این شهر و تحولات جمعیتی، کالبدی، و فضایی آن نقشی اساسی داشته است تا آن‌جا که برخی کارشناسان به آن «شرکت‌شهر مدنیت یافته» نام داده‌اند.

مسجدسلیمان تا سال ۱۹۲۸ یگانه منبع استخراج نفت ایران بود. در این سال در میدان نفتی عظیم هفتگل نیز فوران نفت آغاز شد و مسجدسلیمان در تولید نفت از انحصار بیرون آمد؛ اما تولید در منطقه همچنان افزایش یافت به گونه‌ای که در سال ۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ م به اوج تولید در سراسر دوران بهره‌برداری (۱۲۷ هزار بشکه در روز) رسید. بعد از افتی کوتاه در تولید نفت به سبب ملی‌شدن این صنعت در ایران (۱۳۳۰-۱۳۳۳)، به دلیل دسیسه‌های شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت امپریالیستی انگلیس، بار دیگر استخراج نفت افزون شد که تا سال ۱۳۴۵ میزان آن همچنان ثابت بود (سالانه حدود ۳۰ میلیون بشکه و معادل ۴ میلیون تن)، اما از این سال به بعد تولید نفت به سرعت کاهش یافت و بعد از بسته‌شدن چاه‌ها در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰، تولید سالانه آن به حدود تولید روزانه در گذشته محدود شد. دلیل کم‌شدن تولید نفت این بود که پس از حدود ۷۰ سال بهره‌برداری مداوم ۹۸ درصد از مقدار نفت قابل حصول به شکل طبیعی از منطقه استخراج شد و از آن‌جا که بهره‌برداری از سایر میدان‌های نفتی به‌ویژه میدان‌های نفتی مرزی در اولویت قرار گرفت، استخراج نفت در مسجدسلیمان که باید با تزریق آب یا گاز انجام می‌شد، و این امر خود مشکلاتی را نیز به دنبال داشت، متوقف شد (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۶) و این شهر به دوره جدیدی از حیات بدون نفت وارد شد که با فراز و نشیب‌هایی، تاکنون ادامه دارد.

جغرافیای طبیعی محدوده مسجدسلیمان نشان‌دهنده منطقه‌ای کوهستانی با چندین رشته‌کوه گچی، سنگی، و خاکی است که در سراسر آن کشیده شده است. در میان این ناهمواری‌ها، جلگه‌ها و دره‌های کوچکی وجود دارد که ۳۲۰ حلقه چاه حفر شده در مسجدسلیمان را دربر گرفته‌اند. «شهر مسجدسلیمان نیز با ایجاد مجتمع‌های مسکونی در کنار این چاه‌های نفت و برای اسکان کارکنان صنعت نفت شکل گرفت» (همان). به طور کلی، احداث شهر در منطقه مسجدسلیمان با این ویژگی‌های طبیعی (در دل کوه‌ها و دارای توپوگرافی پرفراز و نشیب) از نظر اصول و تئوری‌های شهرسازی کاری اشتباه است.

ساختار کلی مسجدسلیمان به صورت خطی است و به واسطه کوه‌ها، شهر با تبعیت از توپوگرافی در امتداد دره‌ها به شکل خطی گسترش یافته است. با گذشت زمان و رشد شهر، آرام‌آرام و به تدریج روی کوه‌های اطراف جاده نیز ساخت و سازهایی انجام شد، به گونه‌ای که روی کوه‌ها شاهد احداث ساختمان‌های مسکونی با بدترین نوع دسترسی و خطر لغزش و ریزش هستیم. این ساختار خطی به دلیل محدودیت‌های توپوگرافی امکان گسترش از عرض را نداشته، از این رو همه بار ترافیکی و حمل و نقل شهر به یک خیابان اصلی منتقل شده است (مهستی، ۱۳۸۲: ۲۷). گسترش فضایی شهر مسجدسلیمان نه تنها متأثر از عوارض توپوگرافی، بلکه به شدت تحت تأثیر میدان‌های نفتی بوده است؛ برای مثال پیدایش محلاتی نظیر نفت‌خیز (دره خراسان)، تل بز، و سی‌برنج که اکنون بیش‌ترین بحران را در شهر به سبب نشت گاز و آلودگی‌های زیست‌محیطی دارند، نتیجه گسترش شهرنشینی تحت تأثیر نفت بوده است. عموماً بیش‌ترین توسعه فضایی شهر به صورت غیر قانونی و از سوی همین کارگران شرکت نفت صورت گرفت. امروزه با توجه به طرح جامع توسعه مسجدسلیمان، بهترین منطقه عاری از نشت نفت و گاز، منطقه شمالی چم‌آسیاب است که شرکت نفت، بنیاد مسکن، و سازمان آموزش و پرورش در آن در حال ساخت و سازند (زارعی، ۱۳۸۸: ۹۳).

۴. یافته‌های تحقیق: تحولات جمعیتی و کالبدی - فضایی مسجدسلیمان

۱.۴ دوره اول: حیات شهر پیش از اسلام

ایرانیان آتش را از عناصر مقدس می‌دانستند و به آن احترام می‌گذاشتند. آن‌ها در برخی مناطق گاز و نفت را که از زمین خارج می‌شد مشتعل می‌کردند و چون همیشه می‌سوخت،

در نظر آنان آتش جاودان به شمار می آمد و آن را به زبان پهلوی اخواریشینک می نامیدند و در نقاطی که این آتش دیده می شد آتش گاه بنا می کردند. تحقیقات باستان شناسی نشان می دهد در شهر مسجدسلیمان نیز یکی از این آتشکده ها وجود داشته است (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۶۱-۶۲). به نظر می رسد علت برپایی آتشکده در این منطقه وجود روغن مقدس یا درواقع نشت گاز و نفتی بود که از میان خاک و سنگ ها بالا می آمد و آتشکده های سرمسجد و بردنشانده را فروزان می کرد. گیرشمن، باستان شناس مشهور، که کاوش های گسترده ای در این منطقه داشته در خصوص صفة مقدس در مسجدسلیمان گفته است: پارسیان که فرمان بردار دولت ایلام بودند، در کوه های بختیاری در صفة های خالی از سکنه پایگاه هایی را بنا کردند و ساکن شدند. از جمله این پایگاه ها که آثار آن یافت شده، مسجدسلیمان و بردنشانده است. در نمای عمومی، این پایگاه های جمعیتی نزدیک اقامت گاه رئیس قبیله شهری پدید می آمد که همه در کنار صفة ای مصنوعی و دست ساخته با سنگ های تراشیده و آتش گاهی که به صورت سکوی بلندتری از صفة بود، واقع شده بودند (گیرشمن، ۱۳۵۱: ۴۴). درواقع پارسیان در فاصله اواسط قرن نهم تا اوایل قرن هفتم پیش از میلاد از طریق زاگرس و کوه های بختیاری به جلگه خوزستان وارد شدند و پس از یک جانشینی، در منطقه مسجدسلیمان کنونی شهر تازه ای ساختند که به یاد سرزمین گذشته خود (در نزدیکی دریاچه ارومیه که پارسوا نامیده می شد)، آن را پارسوماش نامیدند (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۵). پس از حمله اسکندر و غلبه او بر ایران، مراسم و آیین های مورد توجه ایرانیان مقیم مسجدسلیمان قطع شد و چون پادشاهان سلوکی هزارها تن مقدونی و یونانی را به ایران کوچانیدند، مسجدسلیمان یکی از اقامت گاه های مهم مهاجران نظامی مقدونی شد. از این پس صفة مقدس دگرگون و به سه بخش تقسیم شد و دو پرستش گاه دیگر برای یونانیان و مقدونیان در کنار پرستش گاه اولیه در آن ساخته شد. پس از این که مهرداد اول اشکانی، که ایران را از دست سلوکیان گرفت، برای بردن اموال معبدهای این ناحیه حمله کرد، این پرستش گاه ویران شد تا آن که پرستش گاه دیگری در آن محل ساخته شد که تا پایان زندگی مذهبی صفة برپا بود (گیرشمن، ۱۳۵۱: ۴۶-۴۸). پس از قلع و قمع شدن جانشینان اسکندر، اشکانیان و پس از آن ها ساسانیان به خوزستان مرکزیت بیش تری دادند تا جایی که مسجدسلیمان در زمان ساسانیان یکی از آبادترین و پررونق ترین شهرهای ایران به شمار می رفت و در بعضی از کتاب های تاریخی آن را عروس شهرهای خوزستان می نامیدند. دلیل این که ساسانیان به مسجدسلیمان توجه بیش تری نشان دادند این

است که یکی از قدیمی‌ترین شهرهایی بود که اقوام پیشین در آن حکومت کرده بودند و بدین‌منظور به آن توجه خاصی داشتند و در آبادانی آن کوشش فراوان کردند (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۵۱)؛ تا این‌که شهر در زمان خلفای عباسی و خلافت هارون‌الرشید در اثر ورود سپاه مسلمانان ویران شد و منطقه به صورت متروکه درآمد.

۲.۴ دوره دوم: انقطاع حیات شهری مسجدسلیمان

با ورود سپاه مسلمانان به خوزستان، شهر مسجدسلیمان و صفه مقدس آن به کلی ویران شد. تاریخ دقیق ویرانی این شهر در منابع ذکر نشده، اما آنچه مشخص است، بعد از دوره هارون‌الرشید این منطقه متروکه بوده است. بعد از ویرانی پرستش‌گاه و نواحی مسکونی اطراف آن، به دلیل خاموش شدن آتشکده، دلیل وجودی شهر از بین رفت و تا قرن‌ها حیات شهری در این منطقه جریان نداشت و منطقه به صورت چراگاهی برای عشایر کوچ‌رو و ایلات بختیاری درآمد. دوره انقطاع حیات شهری مسجدسلیمان با کشف نفت در این منطقه و شکل‌گرفتن شرکت شهر معاصر در آن پایان یافت.

۳.۴ دوره سوم: کشف نفت و برقراری مجدد حیات شهری

برخی پژوهش‌گران معتقدند سابقه تاریخی برپایی آتشکده‌های دائمی سرمسجد و بردنشانه و وجود روغن مقدس در منطقه، راهنما و نشانه‌ای برای اروپاییان بوده است که بتوانند نخستین چاه نفت خاورمیانه را در این مکان کشف کنند؛ البته در برخی منابع ذکر شده است پیش از ورود اروپاییان نیز در این منطقه «خانواده‌ای موسوم به سادات قیری نفت را با اصول اولیه استخراج می‌کردند و نفت سفید و غیره را در بازارهای تهران، اصفهان، و شوشتر جهت بازسازی بقعه هفت شهیدان می‌فروختند و در آن زمان نیز که نفت سفید چشمه‌های مسجدسلیمان که به صورت بدوی استخراج می‌گردید و تصفیه نیز نشده بود، رقابت شدیدی در تهران و نقاط شمالی ایران با روغن چاه‌های نفت بادکوبه می‌نمود» (همان: ۵۴).

هنگامی که لوفتوس، نخستین کارشناس نفتی، از منطقه مسجدسلیمان که آن زمان کوهستانی خالی از سکنه بود دیدن کرد حوضچه‌های نفتی آلوده به قیر آن را ارزیابی و عنوان کرد که احتمالاً مقادیر فراوانی از این مخازن در کوهستان‌های بختیاری، در فواصل

بین آتشکده کهن (سرمسجد فعلی) و کوه آسماری (واقع در بین هفتگل و مسجدسلیمان)، وجود دارد (همان: ۶۶). بدین سان نخستین بارقه‌های مجدد ایجاد سکونت‌گاه انسانی از سال ۱۲۸۵ ش در مسجدسلیمان پدید آمد و شرکت حفار نفتی موسوم به شرکت نفت ایران و انگلیس اقدام به ساخت چند ساختمان و یک کمپ در آن کرد در حالی که در آن زمان منطقه فوق فقط شامل خرابه‌های آتشکده قدیمی و چراگاه گروهی دام‌های ایل بختیاری بود (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۴۴۳؛ عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۱۰۶).

بالاخره حفاری‌ها به نتیجه رسید و پنجم خرداد ۱۲۸۷ ش (شانزدهم مه ۱۹۰۸ م) چاه شماره یک نفت در میدان عظیم نفتون فوران کرد و نخستین چاه نفتی خاورمیانه کشف شد. پس از کشف نفت توجه متصدیان شرکت نفت به مسجدسلیمان جلب شد و به آینده این منطقه امیدوار شدند و بلافاصله اقدام به ساختن راه‌ها و حفر چاه‌های دیگر کردند (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۴۴۳). بنای هسته اولیه مسجدسلیمان در مساحتی حدود یک کیلومتر مربع با جمعیت ثابت ۲۰۰-۲۵۰ نفر که به صورت یک کمپ بود گذاشته شد و به تدریج رو به توسعه نهاد (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۱۰۷).

تولید بالای نفت در سال‌های آخر جنگ جهانی اول و ایجاد تأسیسات لازم برای آن از قبیل نیروگاه برق، تلمبه‌خانه، تأسیسات مهندسی، و پالایش‌گاه‌های ویژه نشان می‌دهد تا سال ۱۹۲۰ م (حدود ۱۳۰۰ ش) می‌بایست شرکت شهری تمام‌عیار شکل گرفته باشد. احداث بیمارستانی مجهز در ۱۹۱۴ م این گمان را تقویت می‌کند؛ البته بنابر اسناد موجود، این شهرک فقط برای کارکنان خارجی شرکت نفت ایران و انگلیس بنا شد و بخش اعظم کارمندان و کارگران ایرانی از مسکن شرکتی محروم بودند (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۶).

از نظر گسترش کالبدی ابتدا مناسب‌ترین و کم‌عارضه‌ترین اراضی در کنار چاه‌ها برای احداث واحدهای مسکونی و سایر تأسیسات وابسته به صنعت نفت مورد استفاده قرار گرفتند و مهم‌ترین ساختمان‌های مسکونی و اداری در محلی ساخته شدند که شاه‌نشین نام گرفته است (همان: ۶۷).

۴.۴ دوره چهارم: سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۳۰ ش

در مورد شکل‌گیری و جمعیت‌پذیری شهر مسجدسلیمان از کشف اولین چاه نفت تا خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس در ۱۳۳۰ ش عمدتاً در اسناد موجود چیزی ثبت نشده است.

بعد از قرارداد ۱۹۳۳، از سال ۱۹۳۴ (حدود ۱۳۱۴ ش) برنامه‌ی ایجاد شهرک و امور رفاهی برای کارکنان توسعه یافت و چند مدرسه‌ی ابتدایی در مسجدسلیمان ساخته شد. در این سال‌ها نیز ادارات دولتی نظیر مالیه، ژاندارمری، بخش داری، و شهرداری در آن تأسیس شد. این بدان معنی است که شهر در تقسیمات کشوری وارد شد و هویتی غیر شرکتی نیز، هرچند ضعیف، پیدا کرد (همان: ۶۶).

به طور کلی در طراحی اولیه‌ی شرکت‌شهرهایی مانند مسجدسلیمان جداسازی محلات از یک‌دیگر وجه مشترکی است که می‌توان دید. این جداسازی با توجه به ویژگی‌های شغلی و رده‌ی هرکدام از مشاغل متفاوت است. این مسئله در شرکت‌شهرها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، اما در مسجدسلیمان موجب بروز اختلاف طبقاتی شدید شد. در یک نگاه کلی می‌توان محلات مسجدسلیمان را به سه گروه منازل مدیران (بنگله)، محلات کارمندی، و محلات کارگرنشین دسته‌بندی کرد که با ساخت و سازهای غیر مجاز در دامنه‌ها به شدت به این اختلافات طبقاتی دامن زده شد. این مسئله در فرهنگ مردم تأثیرگذار بوده، تا جایی که موجب روحیه‌ی ضد طبقاتی در میان مردم شهر شده است. این شکل از طراحی شهری را که اصطلاحاً به شهرهای استعماری معروف‌اند، می‌توانیم در اغلب شهرهای کشورهای مستعمره مشاهده کنیم (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۲).

طبق اسناد در دسترس جمعیت شاغل در امر استخراج نفت در مسجدسلیمان در ۱۳۳۰ ش بالغ بر ۶ هزار نفر بوده است و در سرشماری سال ۱۳۳۵ ش نیز جمعیت شاغل در زمینه‌ی استخراج نفت بالغ بر ۶ هزار نفر ذکر شده که ۶۸ درصد نیروی شاغل در شهر را شامل می‌شود. با توجه به آمار جمعیتی ۴۴۶۵۱ نفر در مسجدسلیمان در سال ۱۳۳۵ ش که اولین سرشماری رسمی کشور بود و با توجه به این که طی سالیان حدود ۱۳۰۰-۱۳۳۵ استخراج نفت از میدان‌های نفتی مسجدسلیمان تفاوت بسیاری نیافته بود، می‌توان جمعیتی قریب به ۴۰ هزار نفر را از ابتدای قرن حاضر برای شهر مسجدسلیمان متصور شد که نسبت به آن زمان جمعیت بالایی بوده است (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۶).

۵.۴ دوره پنجم: سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۴۵ ش

در زمان جنگ جهانی دوم و بعد از آن وضع اجتماعی و رفاهی کارگران و کارمندان ایرانی بسیار وخیم بود و از نظر امکانات اولیه‌ی رفاهی شدیداً در تنگنا بودند. در اوایل جنگ جهانی دوم که بیش‌تر عملیات شرکت نفت متوقف شده بود، برنامه‌ی ساختن خانه

و سایر امکانات رفاهی کارکنان نیز متوقف شد و بعد از آن هم که برنامه توسعه عملیات برای مقاصد جنگی آغاز شد و بر شمار کارکنان افزوده شد، جمعیت شهر رو به فزونی گذاشت و مسکن مشکل عمده کارکنان شد. به همین دلایل نارضایتی کارکنان بالا گرفت و در نهایت به اعتصاب عمومی در تیرماه ۱۳۳۵ هم‌زمان با کارگران آبادان و سایر مناطق نفت‌خیز انجامید. از آن پس امکانات رفاهی بیش‌تری فراهم شد و آموزش کارکنان ایرانی و اولویت به‌کارگیری کارگران ایرانی در دستور کار قرار گرفت (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۱۸۳).

پس از ملی‌شدن صنعت نفت در ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، مسجدسلیمان با کاهش تولید نفت مواجه شد، ضمن این‌که استخراج از حوضچه‌های نفتی مشترک با کشورهای همسایه در اولویت کار قرار گرفت و بار دیگر دلیل اصلی وجودی این شهر کم‌رنگ شد، اما حیات شهر همچنان با قوت ادامه یافت.

بین سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ ش جمعیت شهر با میانگینی معادل ۳/۷ درصد در سال رشد کرد و به ۶۴۴۸۸ نفر رسید که بیش‌ترین رشد در طول حیات مجدد این شهر تاکنون بوده و نشانه مهاجرپذیری بودن این شهر در دوره یادشده است؛ اما در همین مدت تعداد شاغلان در استخراج نفت نصف شد و بی‌کاری نیز به یک‌سوم رسید. این امر نشان‌دهنده شکل‌گیری هویت شهری برای این شرکت‌شهر است، زیرا با وجود کاهش شاغلان حوزه نفت که دلیل وجودی شهر بود، شهر رو به زوال نرفت و همچنان به رشد خود ادامه داد.

۶.۴ دوره ششم: سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۷ ش

در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ ش، میانگین رشد سالانه جمعیت شهر به ۱/۸ درصد کاهش یافت و جمعیت آن به ۷۷ هزار نفر رسید و به این ترتیب مهاجرفرستی شهر در این دوره آغاز شد.

تولید نفت در این دوره به‌تدریج کاهش یافت و اشتغال در استخراج نفت نیز تنزل پیدا کرد و به دوسوم سال ۱۳۴۵ رسید. با وجود این، بی‌کاری نیز در شهر کاهش داشت که این نشان‌دهنده تداوم حیات شهر با وجود محدود شدن حوزه فعالیت نفت است. اطهاری (۱۳۷۰) پدیده‌های این دوره را آغاز آشکار شدن نشانه‌های رکود شهری (مهاجرفرستی) و در عین حال ایستادگی شهر در مقابل زوال خود (کاهش بی‌کاری) عنوان می‌کند.

به دلیل کاهش فعالیت شرکت نفت در مسجدسلیمان، این شرکت در سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۰ بخشی از کارکنان خود را به مناطق نفت‌خیز دیگر منتقل و بیش از ۱۰۰۰ واحد از منازل خود را به ارتش و کارکنان سایر ادارات واگذار کرد (عباسی شهنی، ۱۳۷۴: ۳۴۴).

در سال‌های آخر حکومت پهلوی، مسجدسلیمان با حضور قشر دیگری از جمعیت، یعنی ارتش و هوانیروز، روبه‌رو شد؛ البته وجود ویژگی‌های مشترک در نحوه اسکان کارکنان صنعت نفت و ارتش موجب شد این حضور روند قبلی کالبدپذیری شهر را برهم نزند، چراکه ارتش و صنعت نفت هر دو در این شهر به شکلی منظم حضور داشتند و اسکان کارکنان هر دو گروه با در نظر گرفتن همه امکانات و خدمات عمومی مورد نیاز و از پیش طراحی شده همراه بود (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱).

شرکت نفت در این زمان ۲۴۸۴ واحد مسکونی در اختیار داشت که از این تعداد ۱۲۸۸ واحد مسکونی را در درجه اول به ارتش (۹۵۰ واحد) و در مرحله بعد بقیه را به دیگر نهادها واگذار کرد. این امکانات همراه با امکانات رفاهی و زیربنایی که در این مدت در شهر ایجاد شد در کنار مشاغل جانبی از جمله امور عمومی و خدمات که در شهر رو به گسترش بود از دلایل بقای شهر بعد از کاهش فعالیت نفت و ادامه جذب ساکنان جدید بود (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۷).

۷.۴ دوره هفتم: تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی تا دهه ۱۳۷۰

پس از انقلاب اسلامی، نخستین تغییر شاخص، خروج اتباع خارجی از شهر بود و اندکی بعد که با وقوع جنگ تحمیلی استخراج و تولید نفت به کم‌ترین حد ممکن رسید، حضور کارکنان شرکت نفت نیز به حداقل رسید.

این وضعیت در شرایطی ایجاد شد که برنامه‌های اسکان عشایر از یک سو و مهاجرت مردم از روستاها، برای کسب امنیت و خدمات، از سوی دیگر سبب شد این‌بار مسجدسلیمان نه تنها خالی از جمعیت نشود، بلکه با جابه‌جایی جمعیت مواجه و در نتیجه حتی با افزایش جمعیت نیز روبه‌رو شود که نتیجه آن میانگین نرخ رشد سالانه ۳/۱ درصد در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ است که نزدیک به اوج دوران جمعیت‌پذیری شهر بین سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ است؛ در عین حال مهاجرت جمعیت متخصص و برخوردار شهر نیز آغاز شد و روستاییان و اقشار کم‌برخوردار به شهر وارد شدند.

باید توجه داشت تا قبل از انقلاب اسلامی مهاجرت به مسجدسلیمان به شکل غیر مستقیم از سوی شرکت نفت کنترل می‌شد؛ بدین‌نحو که شرکت نفت اجازه ساخت واحدهای مسکونی جدید را نمی‌داد و در نتیجه روستاییان یا عشایر مهاجر به‌سختی می‌توانستند در شهر سکونت گزینند که پس از انقلاب اسلامی ایران و از بین رفتن قدرت شرکت نفت هجوم بی‌رویه مهاجران روستایی و عشایری به شهر ابعاد گسترده‌ای به‌خود گرفت و روستاییان شروع به ساختن خانه‌های خود با مصالح ارزان‌قیمت روی تپه‌های اطراف و در داخل دره‌ها کردند (سازمان برنامه و بودجه استان خوزستان، ۱۳۶۲: ۷-۸).

در این وضعیت جدید اشکال به‌وجود آمده این بود که مسکن‌های موجود در شهر به هیچ‌روی تناسبی با نیاز مهاجران و ساکنان جدید شهر نداشت. به همین دلیل، با گذشت زمان و تثبیت استقرار ایشان، منازل شهر از شکل ابتدایی خود خارج شدند و اشکال جدیدی منطبق با نیازهای ساکنان جدید به‌خود گرفتند و این روندی است که هم‌اینک نیز ادامه دارد. بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که شکل معاصر شهرنشینی در مسجدسلیمان حاصل التقاط ساختاری مدرن، اما قدیمی و ۱۰۰ درصد منطبق با صنعت نفت، با جامعه‌ای جدید است که هیچ‌سختی با این صنعت نداشته است و ندارد (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۲).

همان‌گونه که گفته شد در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ میانگین رشد جمعیت شهر ۳/۱ درصد در سال یعنی حدود رشد طبیعی جمعیت، اما از رشد میانگین کل شهرهای ایران (۵/۴ درصد) کم‌تر بود. دلیل عمده این رشد جمعیت در مقطع زمانی ذکرشده نه رشد طبیعی جمعیت، بلکه مهاجرت روستاییان و اسکان عشایر بود که به دلایلی نظیر کسب امنیت، برآورده شدن نیازهای خدماتی در محیط شهر، زمینه‌های اشتغال کاذب، و فراهم شدن زمینه اسکان غیر رسمی در مسجدسلیمان به‌وقوع پیوست و تغییرات بعدی را در ساختار کالبدی و فضایی شهر رقم زد. این امر نشان‌دهنده شکل گرفتن هویت شهر مستقل از صنعت نفت است که با وجود کاهش شدید استخراج نفت همچنان شهرنشینی فزاینده را، هرچند بدون بنیادهای شهرگرایی، تقویت می‌کرد. جالب است که هرچند اشتغال در صنعت نفت در سال ۱۳۶۵ به حدود یک‌چهارم سال ۱۳۵۵ کاهش یافت، اما شهر توانست با وجود ازدیاد بی‌کاری در آن در حفظ خود به شکل نسبی موفق باشد؛ هرچند رکودی کلی در آن مشهود است. در این سال‌ها تغییر اصلی در مسجدسلیمان، همچون همه شهرهای ایران، ازدیاد شاغلان در امور عمومی و دفاعی است (اطهاری، ۱۳۷۰: ۶۶).

طی این سال‌ها اشتغال در بخش خدمات عمومی و اجتماعی در اثر ازدیاد شاغلان در امور عمومی و دفاعی افزایش اساسی یافت و از ۳۹۴۳ نفر به ۹۸۶۷ نفر رسید. در برابر، اشتغال در بخش استخراج نفت از ۲۳۲۲ نفر به ۶۲۵ نفر کاهش یافت یعنی افزایش اشتغال در بخش خدمات در برابر کاهش در بخش نفت ۵۹۲۵ نفر در مقابل ۱۶۹۷ نفر بود و کاملاً آن را پوشش داد و خروج شرکت نفت عامل بی‌کاری ۳۴/۵ درصدی سال ۱۳۶۵ مسجدسلیمان نیست.

اجرانسداد برنامه‌های بلندپروازانه ارتش در گذشته و در نتیجه بی‌کاری شدید در بخش ساختمان (کاهش شاغلان آن از ۴۱۱۲ نفر به ۱۴۷۴ نفر) و نبود برنامه‌ای برای اشتغال جدید، به‌ویژه در بخش صنعت، که موجب کاهش اشتغال در این بخش شد را می‌توان از جمله دلایل گسترش بی‌کاری در این دوره برشمرد.

نگاهی به تغییرات درصد سواد در مسجدسلیمان در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵ در مقایسه با مناطق شهری کشور نشان‌دهنده برتری درصد باسوادان این شهر تا سال ۱۳۵۵ و افول آن بعد از سال ۱۳۶۵ است که در اثر جابه‌جایی جمعیتی مذکور به‌وقوع پیوسته است (جدول ۱).

جدول ۱. تغییرات درصد باسوادی در مسجدسلیمان و مناطق شهری کشور در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵
مأخذ: مرکز آمار ایران

سال	شهر مسجدسلیمان	مناطق شهری کشور
۱۳۳۵	۳۵/۷	۳۳/۳
۱۳۴۵	۵۵/۲	۴۹/۱
۱۳۵۵	۶۸/۶	۶۵/۵
۱۳۶۵	۷۳/۸	۷۳/۱
۱۳۷۵	۸۲/۹	۸۵/۷
۱۳۸۵	۸۶/۵	۸۸/۹

۸.۴ دوره هشتم: راهبرد جابه‌جایی شهر

در ابتدای دهه ۱۳۷۰ شرکت نفت گزارشی مبنی بر این‌که مسجدسلیمان روی ذخایر نفت و گاز قرار گرفته است و، به دلیل قراردادن روی گسل زلزله‌خیز، زندگی در این محدوده

خطر ساز است ارائه کرد. بحث اصلی این بود که آلودگی بخش‌های زیادی از شهر به نفت و گاز، که به‌وضوح آزاردهنده است و می‌توان آن را به چشم دید، با وجود ساختار خطی و فشرده شهر و عوامل طبیعی یادشده، شهر را با ضریب بحران بسیار بالایی مواجه می‌کرد و با توجه به وجود احتمال انفجار در شهر، منطقه باید کاملاً تخلیه می‌شد. پس از طرح این موضوع بحث‌برانگیز، طرح تخلیه و جابه‌جایی شهر مسجدسلیمان در سال ۱۳۷۲ به تصویب هیئت دولت رسید و مقرر شد ساکنان به شهر جدیدی به نام پارسوماش که در ۱۳ کیلومتری مسجدسلیمان مکان‌یابی شده بود منتقل شوند؛ با این حال، شهروندان مسجدسلیمان این موضوع را نپذیرفتند و شهر را ترک نکردند. این موضوع (طرح جابه‌جایی شهر) تأثیرات سوء بسیاری در شهر داشت، از جمله این‌که تصویب طرح جامع شهر به حال تعلیق درآمد، از هرگونه ساخت و ساز در شهر جلوگیری شد، وزارت‌خانه‌های مختلف حاضر به سرمایه‌گذاری و هزینه کردن در شهر نشدند و سرمایه‌گذاران نیز از شهر خارج شدند. در نتیجه وضعیت کالبدی و فضایی شهر روز به روز رو به وخامت رفت و فقر و محرومیت در شهر گسترش یافت.

در نتیجه عوامل یادشده برای نخستین بار پس از حیات مجدد شهر، جمعیت شهر با رشد میانگین سالانه ۰/۷۲- درصد در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ روبه‌رو شد که عامل اصلی آن سیل مهاجرت نخبگان و اقشار برخوردار شهر به خارج از آن به دلیل شرایط شهر بود که پیوسته رو به وخامت می‌رفت.

در این دوره، فرسودگی و رو به زوال رفتن زیرساخت‌های شهری، که در نوع خود در کشور از نخستین‌ها شناخته شده بود، به علت انجام‌نشدن سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و تناسب‌نداشتن ظرفیت خدمات شهری با جمعیت ساکن، رو به افزایش نهاد.

با وجود تأکید دولت بر جابه‌جایی شهر، به دلایلی نظیر مقاومت ساکنان بومی به‌ویژه روستاییان و عشایر مهاجر به شهر، دل‌بستگی شهروندان، هزینه بسیار سنگین جابه‌جایی شهر، و تطابق‌نداشتن طرح‌های اسکان جایگزین با فرهنگ ساکنان این راهبرد به شکست انجامید و هرگز عملی نشد. مهم‌ترین شاخص این دوره را می‌توان قطع برنامه‌ریزی شهری، افزایش معضلات شهری، و فرسودگی شدید شهر در پی این امر دانست.

۹.۴ دوره نهم: تغییر سیاست جابه‌جایی شهر

به سبب شرایط یادشده و اجرانشدن طرح تخلیه شهر، شرکت نفت در سال ۱۳۸۲ احتمال

خطر را در مسجدسلیمان برای زندگی با ملاحظات جدید بررسی و کارشناسی کرد. در نتیجه این مطالعات، ۶ محدوده پرخطر در شهر تعیین شد که ساکنان آن لازم بود جابه‌جا شوند و در محدوده‌های توسعه‌پذیر شهر اسکان یابند و سایر مناطق شهر نیز بی‌نیاز از جابه‌جایی اعلام شد؛ اما همان‌گونه که اشاره رفت، در سرشماری سال ۱۳۸۵ مشخص شد اقدامات پیشین مسئولان تأثیری اساسی در شهر داشته و شهر برای اولین بار در طول تاریخ حیات خود با کاهش جمعیت مواجه شده است. پس از این مراحل طرح جامع مسجدسلیمان در سال ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری کشور رسید و ادامه حیات مسجدسلیمان در مکان فعلی دوباره رسمیت یافت. همچنین در اواخر دهه ۱۳۸۰ طرح جامع شهر جدید پارسوماش از دستور کار شورای عالی شهرسازی و معماری خارج شد و طرح جابه‌جایی مناطق پرخطر در مسجدسلیمان شامل ۶ منطقه آلوده به نفت و گاز با ۵ هزار واحد مسکونی و ۲۵ هزار نفر جمعیت (نزدیک به یک‌چهارم جمعیت شهر) در دستور کار قرار گرفت که در مراحل اولیه اسکان مردم در منازل هوانیروز و بخش چم‌آسیاب آغاز شود. در سال‌های اخیر آغاز پروژه‌هایی نظیر آبرسانی به شهر، ساخت کارخانه‌های آلومینیوم و پتروشیمی، و جاده میان‌بر اهواز - مسجدسلیمان نویدبخش تعدیل روند رو به زوال شهر و بهبود وضعیت کالبدی و فضایی شهر در سال‌های آینده شده است.

۵. بحث و بررسی

بررسی فراز و نشیب‌های جمعیتی و کالبدی - فضایی شهر مسجدسلیمان نشان می‌دهد با این‌که حیات دوباره این شهر در دوران معاصر، همچون حیات اولیه آن در قرون باستان به وجود منابع معدنی و نفت وابسته بوده و در حکم شرکت‌شهری برای اسکان کارکنان صنعت نفت شکل یافته است، در گذر زمان هویت مستقلی برای این شهر شکل گرفته و بخش خدمات به نخستین عامل اقتصادی بقای شهر تبدیل شده است تا آن‌جا که با وجود افول شدید استخراج نفت و صنایع وابسته به آن، شهروندان به دلیل تعلق خاطر به شهر حتی با اجبار حاضر به ترک آن نشدند.

با بررسی ساختار فعالیت‌های اقتصادی این شهر، که عامل اصلی حیات دوباره آن است، درمی‌یابیم به سبب وجود صنعت فعال نفت در سال‌های متمادی، مسجدسلیمان محل حضور بسیاری از مردم ایران و اتباع خارجی به‌ویژه نیروهای متخصص این صنعت برای اشتغال بوده است و همین امر نیز به شهر رونق بخشیده است، اما با توقف برداشت نفت از

مسعود صفایی پور و دیگران ۱۰۷

یک سو و نبود صنایع جایگزین از سوی دیگر، سایه بی‌کاری بر سر این شهر هر لحظه گسترده‌تر شد و بخش خدمات، که به صورت برنامه‌ریزی نشده به بخش اصلی اقتصادی این شهر تبدیل شده است، قادر نیست افق اقتصادی مطلوبی را برای شهر پرجمعیتی نظیر مسجدسلیمان ترسیم کند و همین امر موجب شده است نرخ بی‌کاری در این شهر به حدود ۳۰ درصد افزایش یابد. جدول ۲ تغییرات سهم گروه‌های عمده فعالیت در مسجدسلیمان را در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

جدول ۲. تغییرات سهم گروه‌های عمده فعالیت در شهر مسجدسلیمان در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵*	۱۳۸۵*
تعداد شاغلان	۹۳۱۰	۱۰۲۳۰	۱۳۸۳۰	۱۶۱۹۸	۲۰۲۳۹	۲۳۰۹۸
نسبت کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کشاورزی	۱/۸	۲	۱/۲	۰/۶	۳/۵	۲/۰
معدن	۶۲/۸	۳۰/۴	۱۶/۷	۳/۹	۱۰/۵	۸/۴
صنعت	۶/۹	۱۰/۷	۶/۳	۴/۷	۷	۹/۸
ساختمان	۳/۲	۸/۳	۲۹/۷	۹/۱	۷	۱۰/۳
برق و آب	-	۱/۹	۱/۵	۱/۷	۳/۸	۴/۱
بازرگانی	۱۰/۳	۱۰/۴	۶/۷	۷/۵	۱۶/۴	۱۶/۱
حمل و نقل	۲/۱	۵/۸	۵/۵	۴/۱	۷/۲	۱۱/۹
خدمات عمومی	۱۱/۴	۲۳/۳	۲۸/۵	۶۰/۹	۴۲/۱	۳۴/۶
غیره	۱/۲	-	۲/۴	۵/۷	۲/۴	۲/۷

* توضیح: آمار سال ۷۵ و ۸۵ مربوط به نقاط شهری شهرستان مسجدسلیمان شامل شهرهای مسجدسلیمان و اندیکا است.

در ابعاد جمعیتی نیز مسجدسلیمان تحولات زیادی را تجربه کرده که از عوامل داخلی و خارجی نظیر فرصت‌های اشتغال یا جنگ تحمیلی و شرایط ناشی از آن سرچشمه گرفته است.

جدول جمعیت و میانگین رشد سالانه شهر (جدول ۳) گویای بخش عمده‌ای از این تحولات است.

جدول ۳. تحولات جمعیتی و میانگین نرخ رشد سالانه مسجدسلیمان در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵
 مأخذ: مرکز آمار ایران

سال	جمعیت مسجدسلیمان	میانگین رشد سالانه مسجدسلیمان	میانگین رشد سالانه شهری خوزستان	میانگین رشد سالانه شهری کشور	توضیحات
۱۳۳۵	۴۴۶۵۱				
۱۳۴۵	۶۴۴۸۸	۳/۷	۲/۴	۵/۱	
۱۳۵۵	۷۷۰۹۸	۱/۸	۳/۱	۴/۹	
۱۳۶۵	۱۰۴۷۸۷	۳/۱	۲/۱	۵/۴	تفکیک شهرستان هفتگل
۱۳۷۵	۱۱۶۸۸۲	۱/۶	۳/۴	۳/۲	تفکیک شهرستان لالی
۱۳۸۵	۱۰۸۶۸۲	-۰/۷۲	۱/۳	۲/۷	تفکیک شهرستان اندیکا

جمعیت مسجدسلیمان پس از شکل‌گیری به‌مثابه یک شرکت‌شهر برای اسکان کارکنان صنعت نفت با شتاب زیادی افزایش یافت تا جایی که جمعیت آن را در سال‌های ابتدایی قرن اخیر حدود ۴۰ هزار نفر تخمین زده‌اند. پس از آن طبق آمار رسمی سرشماری‌ها که از سال ۱۳۳۵ در دسترس است، بیش‌ترین میانگین نرخ رشد سالانه در دوره ۱۳۳۵-۱۳۴۵ رخ داده که ۳/۷ درصد بوده است. در این دوران شهر در اوج جمعیت‌پذیری و شکل‌گیری هویت مستقل بود و با وجود کاهش تولید نفت به جذب جمعیت ادامه داد. پس از نزول نرخ رشد در دوره ۱۳۴۵-۱۳۵۵ به دلیل تداوم کاهش تولید نفت و خروج کارکنان صنعت نفت از شهر، در دوره بعدی تحولات ناشی از پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی شامل رفع محدودیت اسکان در شهر و مالکیت زمین و در پی آن مهاجرت گسترده روستاییان برای تأمین امنیت و خدمات و نیز اسکان عشایر موجب شتاب مجدد رشد جمعیت شهر شد. پس از این مقطع به دلیل اعلام آلودگی زیست‌محیطی و خطرخیزی شهر و تصمیم‌گیری برای جابه‌جایی ساکنان شهر میانگین رشد سالانه جمعیت کاهش یافت، اما تأثیر این تصمیم که موجب تشدید مشکلات شهر و تخریب زیرساخت‌ها شد در کنار مشکلاتی نظیر بی‌کاری و مشکلات اجتماعی شهر در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ رخ نمود، تا آن‌جا که میانگین نرخ رشد سالانه جمعیت در این دوره به -۰/۷۲ درصد رسید.

گسترش بدون برنامه مسجدسلیمان در گذر زمان، مشکلات ناشی از

سیاست‌گذاری‌های غلط، و انقطاع برنامه‌ریزی در شهر مشکلات زیادی را در وجوه مختلف رقم زده است که در نگاه نخست در کالبد این شهر به چشم می‌آید. استفاده از مصالح نامرغوب همچون گچ و سنگ و مصالح غیر استاندارد دیگر، ساخت و سازهای غیر استاندارد، سیاست‌های غلط، و مدیریت ناکارآمد تأثیر بسیاری در کالبد شهر مسجدسلیمان گذاشته است و هم‌اکنون نزدیک به ۸۰ درصد شهر دچار فرسودگی و مشکلات شدید کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی ناشی از آلودگی‌های نفت و فاضلاب است.

۳۶ محله حاشیه‌نشین در این شهر با جمعیت ۹۱۹۸۹ نفر و ۱۹۰۶۷ خانوار شناسایی شده و بیش‌ترین تمرکز جمعیت در پهنه‌های جنوب و مرکز شهر است.

محدوده مسجدسلیمان ناهموار و دارای پستی و بلندی‌های زیادی است. شرکت نفت منازل و ادارات خود را در نقاط مناسب‌تر ساخت و به همین دلیل محله‌های این شهر از هم فاصله داشتند. در سال‌های اخیر به دلیل رشد جمعیت شهر و نبود کنترل اولیه‌ای که بر ساخت و ساز وجود داشت، فاصله بین محلات کم شده است و در بسیاری جاها، محلات کاملاً به هم چسبیده‌اند.

همچنین با کاهش محدودیت‌ها پس از انقلاب و مهاجرت گسترده روستاییان منازل مسکونی زیادی با وضعیت ناهنجار در دامنه کوه‌ها ساخته شده است که همواره در معرض خطر لغزش یا سقوط سنگ از کوه‌اند.

گسترش کالبدی شهر مسجدسلیمان به فرم خطی است. این شهر ۱۳ کیلومتر طول و در عریض‌ترین بخش‌ها فقط حدود یک کیلومتر عرض دارد. این شکل، موجب بروز مشکلات عمده حمل و نقل در شهر، به‌ویژه در شهرهای بزرگی نظیر مسجدسلیمان با بیش از یک‌صد هزار نفر جمعیت، شده است و علاوه بر آن، مدیریت بحران در شهر را به شدت دچار محدودیت و مشکل یا حتی گاه ناممکن کرده است. نمونه این امر در جنگ تحمیلی به‌وقوع پیوست و با اولین موشکی که به شهر اصابت کرد محور اصلی شهر قطع شد و در نتیجه، حجم تلفات به دلیل نبود امکان امدادسانی سریع به آسیب‌دیدگان به میزان زیادی افزایش یافت. این موضوع با توجه به قرارگرفتن مسجدسلیمان روی گسل زلزله‌خیز و بحران‌های احتمالی ناشی از انتشار نفت و گاز در مواقع زلزله و زمین‌لغزش درخور توجه است.

می‌توان گفت انگلیسی‌ها که پایه‌گذار اولیه این شهر بوده‌اند نیز طرحی جامع برای این شهر و برنامه بلندمدتی برای حضور در آن نداشته‌اند و در واقع برنامه اصلی آن‌ها استفاده از

۱۱۰ مسجد سلیمان، نخستین نفت شهر خاورمیانه و تحولات ...

ثروت نفت در کوتاه ترین زمان بوده است.

تحولات جمعیتی و کالبدی - فضایی مسجد سلیمان را به شکل خلاصه می توان به صورت جدول ۴ جمع بندی کرد.

جدول ۴: سیر تحولات کالبدی و جمعیتی - فضایی مسجد سلیمان

مأخذ: مطالعات نگارندگان

تأثیرات کالبدی و فضایی	آثار جمعیتی	علت وجودی شهر	پدیده	مقطع زمانی (هجری)
پدید آمدن شهر در جغرافیای طبیعی نامساعد	گردهمایی سکنه	مذهبی (آتشکده)	کشف روغن مقدس دائمی (نفت)	پیش از اسلام
ویران شدن شهر	خالی شدن از سکنه	—	خاموش شدن آتشکده	پس از اسلام (پس از دوره هارون الرشید)
- پدیده شکل گیری شهر جدید نقتی - راه اندازی کمپها و باشگاه کارگران - طراحی محلات مجزای کارگری، کارمندی، و مدیران (جدایی طبقات اجتماعی)	گردهمایی دوباره جمعیت	نفت	کشف نفت	سال ۱۲۸۷
- توسعه نقش های جانبی - شکل گیری محلات متناسب با این نقش ها - شکل گیری عناصر شهری مدرن برای اولین بار در ایران (پدیده شهر سزارین شده)	توسعه جمعیتی با سرعت بالا	- نفت؛ - نقش های جانبی نظیر بخش خدمات و آموزشگاه پرستاری	توسعه شهر نقتی	۱۳۰۰ - ۱۳۳۰

مقطع زمانی (هجری)	پدیده	علت وجودی شهر	آثار جمعیتی	تأثیرات کالبدی و فضایی
۱۳۳۰ - ۱۳۴۵	- کاهش تولید نفت کشور - اولویت یافتن حوضچه‌های نفتی مرزی	- نفت - بخش خدمات	ادامه رشد جمعیتی با حداکثر نرخ رشد (۳/۷)	- افزایش خدمات رفاهی پس از اعتصابات سال ۱۳۳۵ - توسعه فعالیت‌های خدماتی و زیرساخت‌های کالبدی مربوط به آن
۱۳۴۵ - ۱۳۵۷	تقویت حضور ارتش و هوانیروز	- نفت - بخش خدمات - هوانیروز	کاهش نرخ رشد جمعیت با کاهش فعالیت بخش نفت (۱/۸)	- توسعه بخش منظم شهر - توسعه فعالیت‌های بخش ساختمان
پیروزی انقلاب اسلامی تا دهه ۱۳۷۰	- کاهش شدید تولید نفت - مهاجرت روستاییان - برنامه اسکان عشایر	- امنیت - خدمات شهری	- خروج اتباع بیگانه - خروج نیروهای متخصص و کارگران فنی - جابه‌جایی شدید جمعیتی - رشد جمعیت در اثر مهاجرت	- خالی شدن سکونت‌گاه‌های اتباع بیگانه - تغییر الگوهای سکونتی - توسعه سریع و ارگانیک شهر و اختلاط ساختار مدرن نفتی (قدیمی) و سنتی غیر نفتی (جدید)
انتخاب راهبرد جابه‌جایی شهر (دهه ۱۳۷۰)	- اعلام خطر آلودگی از سوی شرکت نفت - قطع برنامه‌ریزی شهری	هویت شهری	- خارج نشدن سکنه - تداوم رشد جمعیت با نرخ پایین تر - مهاجرت طبقات بالای اجتماعی از شهر	- ابطال مجوزهای ساخت و ساز شهری - قطع برنامه‌ریزی شهری - مکان‌یابی شهر جدید پارسوماش برای جابه‌جایی جمعیت - تخریب چهره شهر - افزایش نرخ بی‌کاری

مقطع زمانی (هجری)	پدیده	علت وجودی شهر	آثار جمعیتی	تأثیرات کالبدی و فضایی
تغییر راهبرد جابه‌جایی شهر (دهه ۱۳۸۰)	تفکیک محدوده‌های خطرآفرین	هویت شهری	- کاهش جمعیت شهر در سرشماری ۱۳۸۵ برای نخستین بار - تداوم مهاجرت از شهر	- پدیدار شدن آثار توسعه لجام‌گسیخته شهر - ناهم‌خوانی امکانات شهری با جمعیت شهر - هویداشدن دوباره بارقه‌های برنامه‌ریزی شهری

۶. مسجدسلیمان در افق آتی

گرچه به دلایل ذکر شده مسجدسلیمان که در گروه شهرهای بزرگ استان خوزستان قرار دارد با مشکلات بسیار و مختلفی روبه‌روست و مهاجرت مردم به‌ویژه در طبقات بالای اجتماعی شهر همچنان ادامه دارد، سیاست جدید مبنی بر جابه‌جانشدن شهر و جایگزین کردن آن با برنامه جابه‌جایی ساکنان مناطق آلوده و خطرناک که شامل ۵ هزار واحد مسکونی و ۲۵ هزار نفر جمعیت در ۵ محله از شهر است، موجب شده است بارقه‌های مجدد برنامه‌ریزی شهری در این شهر دیده شود و در زمینه تأمین خدمات زیربنایی و جایگزینی زیرساخت‌های فرسوده و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی گام‌هایی هرچند ناکافی برداشته شود.

به همین دلیل انتظار می‌رود با وجود مشکلاتی که ساماندهی آن‌ها نیاز به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در افق‌های زمانی طولانی مدت دارد، نرخ مهاجرت از شهر کاهش یابد و در دوره زمانی آتی میانگین نرخ رشد جمعیت شهر اندکی افزایش یابد.

مشکلات کالبدی این شهر نیز بدون توجه به مشکلات اجتماعی - اقتصادی شهر سامان نمی‌یابد، از این رو حتی در صورت اجرای طرح‌های جامع و تفصیلی، ساماندهی کالبد شهر مسجدسلیمان مستلزم اجرای طرح‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی در کنار طرح‌های کالبدی است. در صورت اجرای طرح توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در کنار طرح‌های جامع و تفصیلی و جابه‌جایی ساکنان مناطق آلوده و بحران‌خیز و استفاده از این مناطق به عنوان فضای سبز و باز، وضعیت کالبدی شهر در افق ۱۰ ساله رو به بهبود خواهد رفت.

۷. نتیجه گیری

شکل گیری، تداوم حیات، اوج، و زوال شهر در حکم سکونت گاه انسانی که محل برآورده ساختن نیازهای انسان و شکوفایی و تعالی اوست از عوامل مختلفی سرچشمه می گیرد. چه بسیارند شهرهایی که بر پایه هدف و نقش ویژه‌ای شکل گرفته و در گذر زمان و با شکل گیری نهاده‌های جمعیتی و فضایی نقش‌های جدیدی پذیرفته و هویت یافته‌اند.

با وجود فراز و فرودهایی که در فضا و کالبد شهر در اثر محرک‌های داخلی و خارجی به وقوع می‌پیوندد، آنچه ضامن بقای یک سکونت‌گاه شهری و گرایش ساکنان به تداوم سکونت در آن است، هویت شهری است. با این حال توفیق یک شهر در برآورده کردن نیازهای ساکنان خود هم‌بستگی شدیدی با عوامل اقتصادی پیرامون دارد و در شرایط پیچیده کنونی عموماً با تکیه بر عوامل تک‌گانه موفق نخواهد بود.

بر همین اساس شکل‌گیری مجدد مسجدسلیمان عمدتاً تکیه بر منابع نفتی داشته و کشش‌پذیری ثروت نفت و اشتغال ناشی از آن بر جغرافیای طبیعی نامناسب منطقه غلبه کرده است، اما با وجود تحولات گوناگون و شکل‌گیری هویت شهری و در کنار آن رشد بخش‌هایی نظیر ساختمان و خدمات در مقاطع مختلف زمانی، نقش این شهر در نظام فضایی منطقه نامشخص ماند و برای دوران «پس از نفت» در این شهر برنامه‌ریزی صورت نگرفت و در کنار آن برای مقابله با مشکلات آلودگی و خطر خیزی به‌سادگی راه‌کارهای نامتناسب با هویت و فرهنگ شهر پیشنهاد شد. با رخ‌نمودن مشکلات حاد و پیچیده در این شهر نمونه بارزی از شهر بی‌برنامه و رو به زوال بروز یافت که مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی آن و نارضایتی ساکنان، برنامه‌ریزان را به بازنگری سیاست‌های نامتناسب واداشت.

مسجدسلیمان را می‌توان همچون الگویی برای پرهیز از توسعه بر مبنای اهداف تک‌گانه و منابع محدود مورد توجه قرار داد که یگانه راه برون‌رفت از وضعیت نابسامان آن توسعه متکی بر عوامل درون‌زا و پایدار است.

در این زمینه نخستین پیشنهاد برای ساماندهی وضعیت مسجدسلیمان و رهایی از مشکلات موجود تعریف نقش صنعتی مسجدسلیمان برای تثبیت جایگاه آن در نظام فضایی استان است. به‌نظر می‌رسد حل مشکل اشتغال و معضلات اجتماعی ناشی از بی‌کاری و سطح پایین توسعه‌یافتگی، از طریق سرمایه‌گذاری در زمینه صنعت تعدیل

خواهد شد و این امر در حفظ جمعیت شهر نیز مؤثر خواهد بود. همچنین تقویت سکونت‌گاه‌های پیرامونی آن که با ارتقای صورت‌گرفته از لحاظ تقسیمات سیاسی توان جذب سرریز جمعیت و جبران کمبود خدمات‌رسانی این شهر را دارند (شامل مراکز سکونتی شهرستان‌های لالی و اندیکا و هفتگل که در دوره‌های زمانی متوالی به شهرستان ارتقا یافته و از شهرستان مسجدسلیمان جدا شده‌اند) از بار خدمات‌رسانی شهر به حوزه پیرامون خود می‌کاهد و راه توسعه مسجدسلیمان را هموار می‌کند.

سرمایه‌گذاری برای ترمیم زیرساخت‌های خدماتی، کاهش سطوح توسعه‌نیافتگی، و اصلاح وضعیت کالبدی و فضایی از طریق طرح‌های ساماندهی نیز از دیگر پیشنهادها می‌مکن برای توسعه مسجدسلیمان است.

توسعه درون‌زای مسجدسلیمان در دوران کاهش استخراج نفت و نیز پس از پایان منابع آن از طریق بهره‌برداری از منابع و قابلیت‌های داخلی و پیرامونی شهر نظیر گردش‌گری تاریخی و طبیعی، بهره‌برداری از ظرفیت ایفای نقش ترانزیت، توسعه معادن و کارگاه‌های استخراج و برش سنگ، و کشاورزی پایدار در حوزه نفوذ شهر محقق خواهد شد.

منابع

- استان‌داری خوزستان (بی‌تا). «بررسی اوضاع شهرستان مسجدسلیمان»، اهواز. اطهراری، کمال (۱۳۷۰). «مسجدسلیمان؛ شرکت شهری مدنیت‌یافته»، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۴۷ و ۴۸.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۹). نگاهی به تاریخ خوزستان: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی منطقه، تهران: بلور.
- بی‌نا (۱۳۸۷). «بررسی گذشته، حال و آینده اولین شهر نفتی ایران، گفت‌وگو با پیام مهستی مجری طرح جامع مسجدسلیمان»، خبرگزاری شوشان، www.shooshan.ir.
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۹). قلمرو و فلسفه جغرافیا، تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۵). از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر، تهران: دانشگاه تهران.
- خانمی، سیدمحمد (۱۳۷۶). از دنیای شهر تا شهر دنیا، تهران: نشر نی.
- دولفوس، اولیویه (۱۳۷۴). فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، تهران: نیکا.
- رضویان، محمدتقی (۱۳۷۴). تمرکززدایی در کشورهای در حال توسعه و ایران، تهران: شروین.

زارعی، بلال (۱۳۸۸). «تحلیل فضایی سکونت گاه‌های غیر رسمی محلات شهری و ساماندهی آن‌ها، نمونه موردی شهر مسجدسلیمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمان رشیدیان، نیره (۱۳۶۷). *نگاهی به تاریخ خوزستان*، تهران: بوعلی.

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۶۹). *جمعیت و شهرنشینی در ایران*، تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران. *سازمان برنامه و بودجه استان خوزستان* (۱۳۶۲). «گزارش وضع جمعیت و اشتغال شهر مسجدسلیمان در چهارچوب کار هیئت اعزامی جهت بررسی وضع و مشکلات شهر مسجدسلیمان»، اهواز: بی‌نا.

شکویی، حسین (۱۳۸۶). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، تهران: گیتاشناسی.

عباسی شهنی، دانش (۱۳۷۴). *تاریخ مسجدسلیمان: از روزگار باستان تا امروز*، تاریخ صنعت نفت ایران، تهران: هیرمند.

فرهنگ فارسی (۱۳۷۱). به کوشش حسن عمید، تهران: امیرکبیر.

فیروزی، محمدعلی و دیگران (۱۳۸۷). «تحلیل و ارزیابی بافت فرسوده شهرهای نفتی، نمونه موردی بافت شهر مسجدسلیمان»، اولین همایش بافت‌های فرسوده شهری، چشم‌انداز توسعه پایدار، ارزش‌ها و چالش‌ها، دانشگاه شهیدچمران اهواز.

کلاتری، خلیل (۱۳۸۷). *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تئوری‌ها و تکنیک‌ها*، تهران: خوشبین.

گیرشمن، رومن (۱۳۵۱). «صفه مقدس در مسجدسلیمان»، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ماه‌نامه هنر و مردم، ش ۱۲۱.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). «نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵».

معاونت برنامه‌ریزی استان داری خوزستان (۱۳۹۰). «سال‌نامه آماری سال ۱۳۸۹ استان خوزستان».

معاونت برنامه‌ریزی استان داری خوزستان (۱۳۹۱). «نتایج اولیه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استان خوزستان»، اهواز.

مهرستی، پیام (۱۳۸۲). «از پارسوماش تا مسجدسلیمان»، فصل‌نامه جستارهای شهرسازی، ش ۷.

میرمقتدایی، مهتا و ژاله طالبی (۱۳۸۵). *هویت کالبدی شهر: مطالعه موردی تهران*، تهران مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

نظریان، اصغر (۱۳۸۵). *جغرافیای شهری ایران*، تهران: پیام نور.